

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



گام های ۵-۶: ارجاع به قرآن، برنامه رستگاری

جزوات دوره قرآن و تربیت (سیر تحول دینی در قرآن کریم)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالکریم بهجت پور

گام پنجم تحول دینی مردم: ارجاع مردم خواهان برنامه به قرآن

رابطه با گام های گذشته یعنی درخواست برنامه استواری که تداوم بهره گیری از نعمت ها را تضمین کند.

۱- سوره ی تکویر نزول ۷ بخش اول تأکید بر نقش عمل در سعادت و شقاوت :
وَ إِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰) وَ إِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱) وَ إِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ (۱۲) وَ إِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ (۱۳) عَلِمَتْ
نَفْسٌ مَا أُخْضِرَتْ (۱۴)

- این تأکید همراه با بیان علائم قطعی روز رستاخیز است. از این راه تردیدها در باره تحقق رستاخیز را به اجمال کنار می زند:

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱) وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲) وَ إِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳) وَ إِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴) وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۵) وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶) وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷) وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ (۸) بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹)

۲- قرآن برنامه ای است که در آن انسان های خواهان استواری شخصیت یاد شده اند:

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۲۷) لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (۲۸)

۳- ذکر به عنوان اولین صفت و اساسی ترین هدف قرآن شمرده شده است.

به خاطر آنکه ابتدا آن چه گفته پاسخ با نیازهای اساسی و ذاتی انسان است. یعنی ما را در قرآن یاد کرده است. که این شرافت و کرامتی است که خدا بر سر انسان گذاشته است. لقد انزلنا اليكم كتابا فيه ذكركم افلا تعقلون ؛ انه لذكر لك و لقومك ،

۴- پیش از دعوت به قرآن و بیان نقش آن در برپا کردن شخصیت انسان ، ابتدا باید شخصیت قرآن را اثبات کرد. از این رو ابتدا باید حقیقت الهی بودن این کتاب را آشکار کرد و نقش پیامبر را در تولید آن نفی کرد. پس از آن تردید هایی دیگر را که به کرامت قرآن لطمه می زند کنار زد.

تردیدهایی در باره الهی بودن قرآن و سلامت روحی و عقلانی پیامبر و یا در انگیزه های وی باشد باید رفع شود به گونه ای که هیچ گردی بر عظمت و والایی این متن ننشیند:

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ (۱۵) الْجَوَارِ الْكُنَّسِ (۱۶) وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ (۱۷) وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸) إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۹) ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰) مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱) وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲) وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ (۲۳) وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۲۴) وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۲۵) فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (۲۶)

- «لا» به همان معنای اصلی خودش به کار رفته، به این منظور که موضوع آن قدر واضح است که نیازی به قسم خوردن نیست و من قسم نمی خورم.

- مراد از یک سری پدیده ها که پنهان اند، جریان پیدا می کنند و دوباره پنهان می شوند. اعم است و هر آنچه را که نهان است و سپس جریان یافته و مجدداً به جایگاه اصلی خود برمی گردد، شامل می شود.

- حکمت این سوگند ها: «عسَس» عبارت از رقیق شدن شب است. این پدیده در اول شب و آخر شب به وقوع می پیوندد؛ بنابراین گاهی مراد از آن را «ادبار و پشت کردن شب» و گاهی «اقبال و روی آوردن» دانسته اند. ظاهراً در اینجا به قرینه ی آیه ی «وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» ادبار و پشت کردن مراد آیه است، خصوصاً این معنا که با غرض سوگند سازگارتر است؛ قرآن ظلمتِ شبِ جهالت را تبدیل به روشنایی می کند. کلمه «تنفس» در آیه، کنایه از گسترش روز و نمایان شدن تدریجی آن است.

- ابتدا معرفی حقیقت در باره آورنده قرآن: جبرئیل با شش ویژگی

- سپس دفع توهمات و شبهات معارضان: دفع شبهه جنون با عنایت به شناخت مردم از پیامبر، کنار زدن تردید در ملاقات جبرئیل، بخل پیامبر بر انتقال تمام وحی

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲) وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ (۲۳) وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۲۴)

- دفع شبهه شیطانی بودن مطالب قرآن با توجه دادن به رابطه قرآن با نیاز های ذاتی و هماهنگی با فطرت

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۲۵) فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (۲۶) إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۲۷)

- نکته: شبهات هر زمان در باره قرآن ممکن است متفاوت باشد. به شبهات مخاطب درباره قرآن باتید توجه کرد و به آنها پاسخ گفت.

۵- تاکید قرآن بر اختیار و انتخاب انسان

۶- تاکید بر این که قرآن هنگامی انتخاب خواهد شد که در آغاز رابطه با پروردگار درست شده باشد:

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (۲۸) وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)

■ نکته مهم در ابلاغ برنامه: وظیفه پیامبر و رهبران اصلاح تذکر مردم به قرآن موافق با شرائط مناسب است.

مقدمه: نقش امامت و مصلحان در ابلاغ و اجرای برنامه قرآن

سوره اعلیٰ نزول ۸: فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذُّكْرَى (۹) سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى (۱۰) وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (۱۱) الْأَذَى يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى (۱۲) ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (۱۳)

گام ششم تحول دینی مردم: برنامه جامع رستگاری (فاصله گرفتن از ناخود و مجال دادن به خود حقیقی)

سوره اعلیٰ نزول ۸: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (۱۴) وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵) بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶) وَ الْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى (۱۷) إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸) صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى (۱۹)

۱- چرا استفاده از واژه فلاح

۲- تزکیه؛ تطهیر خود از آن چه باید از آن پاک شد. و علت استفاده از این واژه نقش آن در رشد و بالندگی است.

انسان ظرفیت و استعدادی دارد که به طور دائم در حال شکوفایی و فعلیت شدن است، اما موانعی باعث میشود که این شکوفایی متوقف شده، یا بر خلاف جهت صحیح باشد. تزکیه عبارت است از تطهیر از آن چیزهایی که با پاک شدن آنها، رشد انسان در مسیر مناسب و با سرعت و کیفیت مطلوب انجام شود. انسان بنابر ظرفیت و استعدادش، میتواند بالاتر از فرشته باشد. خدا او را اشرف مخلوقات نمود و همه چیز را برای او آفرید و او را مدار هستی قرار داد.

مثل دانه که اگر میخواهد رشد کند، باید خودش را از پوست جدا کند. از این بدن مادی جدا شود، تا بتواند آن درخت سر به فلک کشیده‌ی مثمر شود؛ لذا خداوند در این آیه مسأله‌ی تزکیه را به عنوان کلید مهم رستگاری بیان کرده است.

۳- نماز متأخر از ذکر رب: بلند مرتبه بودن پروردگارتان را یاد کنید و میثاق‌های خود را با او از راه نماز متذکر شوید.

۴- مانع بزرگ سیر و سلوک اهل رستگاری و اصحاب یمین دلبستگی و گزینش دنیا است

- راه درمان و کنار زدن این مانع توجه به کیفیت و کمیت دستاوردهای سیر و سلوک در آخرت است.

- تذکر دهیم که اسلام مقابل دنیا نیست مقابله با گزینش دنیا بر آخرت است.

۵- برای انگیزش سیر و سلوک رستگاران باید به مشترک بودن این برنامه در همه ادیان توجه داد.

زیرا نشان دادن همراهی قرآن با دیگر صحیفه‌های الهی، مخاطب را به پذیرش پیام ترغیب می‌کند.

پذیرش سخنی که در تمام صحیفه های الهی آمده است، بسیار آسانتر است از پیامی که در نوع خود بی بدیل و کاملاً تازه است. این نکته در روشهای تربیتی و هدایتی، کمال اهمیت را دارد: «إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى * صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى».

۶- نکته مهم برای راه انداختن انسان در مسیر سیر و سلوک رستگاران آن است که باید رستاخیز را جلوی چشم مردم گذارد و البته نه جهنم بلکه به طور عمده بهشت را تا بتوانند از لذت های دنیا و گزینش آن دست بردارند.